

بسم الله الرحمن الرحيم

کالبد شکافی توافقنامه ژنو

سید محمود نبویان

این توافقنامه در تاریخ ۳ آذر ۱۳۹۲ مطابق با ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳ در ژنو میان ایران- به ریاست آقای ظریف (وزیر امور خارجه دولت آقای روحانی) به همراه آقایان عراقچی و روانچی- و کشورهای ۱+۵ (آمریکا، روسیه، چین و سه کشور اروپایی آلمان، فرانسه و انگلستان) به ریاست خانم اشتون-نماینده اتحادیه اروپا- منعقد گردید.

محتوای این توافقنامه یک قرارداد-یا معاهده و پیمان- است و باید مکانیسم خودش را طی کند، یعنی باید از سوی مجلس و یا شورای امنیت ملی به تصویب برسد، اگرچه نام آن را «برنامه مشترک برای عمل» گذاشته اند، اما تغییر نام، مشکلی را حل نمی کند، و باید به محتوای آن توجه کرد که برای دو طرف تعهداتی را ایجاد کرده است.

در این توافقنامه متن انگلیسی آن دارای اصالت است، و زبان دیگر، پیش بینی نشده است.

توافقنامه ژنو مرکب از ۵ بخش است: مقدمه، گام اول، گام میانی، گام آخر و نتیجه نهایی.

در ابتدا سعی می کنیم که گزارشی از این توافقنامه در هر بخش داشته و سپس تاملاتی را بیان کنیم.

گزارشی از اجزای توافقنامه

چنانکه بیان گردید، توافقنامه ژنو مرکب از بخشهای زیر است:

۱- مقدمه

در مقدمه هدف از مذاکرات و نیز امور زیر بیان شده است:

۱- هدف از این مذاکرات دستیابی به یک راه حل جامع بلند مدت مورد توافق طرفین است که یقین پیدا کنیم برنامه هسته ای ایران منحصرأ صلح آمیز است.

- ۲- ایران تاکید مجدد می کند که تحت هیچ شرایطی بدنبال دستیابی به سلاح هسته ای یا گسترش آن نیست.
- ۳- این راه حل جامع مبتنی بر اقدامات اولیه بوده و در زمان مورد توافق در یک گام نهایی به نتیجه منتهی شده و به نگرانی ها پایان می دهد.
- ۴- این راه حل جامع ایران را قادر می سازد که کاملاً از حق انرژی هسته ای خود برای اهداف صلح آمیز تحت پادمان ان.پی.تی با توجه به تکالیف آن برخوردار شود.
- ۵- این راه حل جامع متضمن یک برنامه هسته ای است که: با توافق طرفین تعریف شود، دارای محدودیت های عملی باشد، و با اقدامات شفاف ساز برای حصول اطمینان نسبت به ماهیت صلح آمیز آن برنامه همراه باشد.
- ۶- این راه حل جامع منشأ یک کل منسجم است که: تا همه چیز مورد توافق نباشد هیچ امری مورد توافق نخواهد بود.
- ۷- این راه حل جامع مشتمل بر یک روند گام به گام دو طرفه است و موجب رفع جامع تحریم های شورای امنیت سازمان ملل، تحریم های چند جانبه و تحریم های ملی مربوط به برنامه هسته ای ایران خواهد شد.
- ۸- کشورهای ۱+۵ و ایران مسئول نتیجه بخشی و تحقق اقدامات دوطرفه میان مدت و راه حل جامع با حسن نیت هستند.
- ۹- یک کمیسیون مشترک مرکب از: سه کشور اروپایی (آلمان، فرانسه و انگلستان)، اتحادیه اروپا، سه کشور دیگر (آمریکا، چین و روسیه) و ایران تشکیل می شود تا بر اجرای گام های میان مدت نظارت و به موضوعاتی که ممکن است پدید آید بپردازد، علاوه براین، آژانس مسئول راستی آزمایی اقدامات انجام شده مربوط به هسته ای خواهد بود.
- ۱۰- این کمیسیون با آژانس براه حل نگرانی های گذشته و حاضر همکاری می کند.

تاملاتی چند

۱- هر توافقنامه ای به هدف رفع اختلاف دو طرف انجام می شود، اما متأسفانه این توافقنامه آغازگر اختلافات زیادی شده است؛ برای نمونه، بلافاصله پس از توافق میان دو طرف، اختلاف در مورد یکی از اصلی ترین مسأله مذاکرات -یعنی حق غنی سازی- آن هم در یک تضاد کامل و ۱۸۰ درجه آغاز گردید، از یک سو، آقای جان کری -وزیر خارجه آمریکا- اعلام می کند براساس این توافقنامه ایران به هیچ وجه حق غنی سازی ندارد، و از سوی دیگر، آقای ظریف -وزیر خارجه ایران- اعلام می کند که در این توافقنامه حق غنی سازی ایران به رسمیت شناخته شده است.

۲- در این مقدمه ایران به عنوان یک کشور با وضعیت ویژه تلقی شده که باید به وضعیت آن رسیدگی شود، به عبارت دیگر، پذیرفته ایم وضعیت هسته ای ایران موجب نگرانی هایی برای جامعه جهانی در گذشته و حال شده است که باید برطرف شود.

۳- در صورت حل نگرانی ها و حسن نیت ایران و انجام وظایفی که آنها برای ما تعیین می کنند و در این توافقنامه آنها را پذیرفته ایم، و نیز آژانس پس از راستی آزمایی آنها را تایید کند، ایران می تواند یک برنامه غنی سازی با محدودیت ها و قیود زیر داشته باشد، یعنی اولاً: توافق آنها را در «تعریف و تعیین آن» بدست آورد، ثانیاً: دارای «محدودیت های عملی» باشد و ثالثاً: به همراه «اقدامات شفاف ساز» باشد.

چنانکه ملاحظه می شود به هیچ وجه غربی ها در این توافقنامه ذکر نکرده اند که ایران «دارای حق غنی سازی» است، بلکه آنچه که در این توافقنامه تصریح شده است، این است که ایران صرفاً می تواند «یک برنامه» غنی سازی داشته باشد، به عبارت دیگر، گاهی شخص مالک ماشین است و حق دارد به هر مکانی که مایل است سفر کند، اما گاهی دارای ماشین نیست و از دیگری ماشینی را به امانت می گیرد، مالک ماشین برای او محدودیت هایی را تعیین می کند و برای نمونه می گوید، بیش از سه نفر نباید سوار کنی، سرعت تو نباید بیش از صد کیلومتر باشد، به مکان دیگر با فاصله بیش از دویست کیلومتر حق نداری بروی و ... آنچه که در این توافقنامه آمده است به همین صورت است، یعنی طرف غربی، صرفاً به ما یک و آن هم یک برنامه غنی سازی را اعطا کرده است که دارای محدودیت های مختلف است. این برنامه نیز در مدت زمانی است که در گام نهایی مورد توافق قرار می گیرد.

علاوه بر این، مراد از محدودیت های عملی چیست؟ البته در گام نهایی به این محدودیت ها اشاره کرده است. نیز مراد از اقدامات «شفاف ساز» چیست؟ آیا این امور در تکالیف ان.پی.تی نیز آمده است؟ یا به دلیل اینکه در این توافقنامه پذیرفته ایم برنامه هسته ای ایران یک وضعیت عادی ندارد، لذا بیش از تکالیف مندرج در معاهده ان.پی.تی باید اقداماتی انجام دهیم تا نظر طرف غربی را جلب کنیم؟ در این صورت، آیا ایران به اهداف خود خواهد رسید؟

۴- در جمله اول این مقدمه آورده است که هدف از مذاکرات آن است که «یقین» (ensure) پیدا کنیم که برنامه هسته ای ایران، منحصرًا «exclusively» صلح آمیز است.

روشن است که دو قید بیان شده از قیود «کیفی» هستند و قابل تفسیرهای گوناگون. سوال این است که آنها اولاً: چگونه یقین پیدا می کنند که برنامه هسته ای ایران صلح آمیز است؟ آیا نمی توانند هر زمان ادعا کنند که ما هنوز یقین پیدا نکردیم که برنامه هسته ای ایران صلح آمیز است؟ مگر تاکنون در طول ده سال گذشته که در حال مذاکره هستیم چنین امری را نگفته اند که برنامه ایران، صلح آمیز نیست؟

ثانیاً: جالب آن است که قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل که شدیدترین تحریم ها را علیه مردم ایران به تصویب و اجرا رسانده است -از جمله تعلیق تمام فعالیت های هسته ای ایران-، با همین ادعا بوده است که ما هنوز نتوانستیم به صورت یقینی نتیجه بگیریم که برنامه های ایران منحصرًا صلح آمیز است. برای نمونه، در قطعنامه ۱۷۳۷ که تعلیق تمام فعالیت های هسته ای را از ما خواسته است، با این مقدمه شروع کرده است که: «آژانس نمی تواند نتیجه گیری کند که هیچگونه مواد یا فعالیت های هسته ای اظهار نشده در ایران وجود ندارد.» معنای این سخن آن است که آژانس به یقین نرسیده است که فعالیت هسته ای اظهار نشده وجود ندارد، و چون به یقین نرسیده است کافی است که شورای امنیت براساس این گزارش، تحریم های سختی را علیه ایران وضع کند.

در این توافقنامه نیز راستی آزمایی به عهده آژانس است و آژانس باید به یقین برسد.

ثالثاً: مراد از قید «منحصراً» چیست؟ در چه صورتی این انحصار فهمیده می‌شود؟ اگر ایران چند درصد غنی سازی داشته باشد، این انحصار معلوم می‌شود؟ چگونه است که ژاپن دارای برنامه غنی سازی بیش از ۹۰٪ است اما برنامه هسته ای آن کشور منحصراً صلح آمیز است اما ایران اگر غنی سازی ۲۰٪ داشته باشد، برنامه هسته ای آن صلح آمیز نیست؟ جالب آن است که در تمام قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل که تعلق تمام فعالیتهای هسته ای را از ایران خواسته و نفت، بانک های ایرانی، شرکت های ایرانی، افراد و ... را مورد تحریم سخت قرار داده است، چندبار تصریح شده است که برنامه هسته ای ایران باید منحصراً برای مقاصد صلح آمیز باشد. این تعبیر دقیقاً همان تعبیری است که در اولین جمله توافقنامه ژنو آمده است (چنانکه بیان گردید در اولین جمله توافقنامه ژنو آمده است: هدف از این مذاکرات دستیابی به یک راه حل جامع بلند مدت مورد توافق طرفین است که یقین پیدا کنیم برنامه هسته ای ایران منحصراً صلح آمیز است.) و در قطعنامه های شورای امنیت هم به بهانه دستیابی به یقین به منحصراً صلح آمیز بودن برنامه هسته ای ایران است، تمام تحریم های سخت را علیه ملت بزرگ ایران تحمیل و تعلق تمام برنامه های هسته ای از ایران خواسته شده است.

در صورتی که قیود بیان شده در متن توافق، شفاف و مقید و معین نباشد-چنانکه متأسفانه قیود مبهم زیادی در متن توافقنامه وجود دارد- در آینده و در مقام تفسیر در مذاکرات بعدی دچار مشکل جدی خواهیم شد.

۵- در پاراگراف دوم مقدمه آمده است که ایران بدنبال سلاح هسته ای و توسعه آن نخواهد بود. این سخن به معنای پذیرش ضمنی این امر است که ایران تاکنون در حال توسعه سلاح هسته ای بوده و سخن غربی ها در متهم کردن ایران و بدنبال آن صدور قطعنامه های شورای امنیت و وضع تحریم های گوناگون شورای امنیت، یک جانبه و چند جانبه علیه ایران درست بوده است، در حالی که کذب این ادعا کاملاً روشن است.

۶- در مقدمه پس از اینکه تصریح می‌کند که ایران برای حل نگرانی ها باید گامهای مختلفی بردارد، آورده است ایران می‌تواند کاملاً از حق انرژی هسته ای مطابق ان.پی.تی بهره مند شود، و بلافاصله تصریح می‌کند که ایران می‌تواند یک برنامه غنی سازی داشته باشد. اما نسبت به این برنامه غنی سازی هیچ سخنی از ان.پی.تی نیامده است؛ یعنی در آن ذکر نشده است که ایران می‌تواند براساس ان.پی.تی دارای برنامه غنی سازی باشد، (زیرا روشن است که داشتن غنی سازی برای کشورها در معاهده ان.پی.تی محدود به هیچ قیدی نیست، جز اینکه فقط مقید به صلح آمیز بودن است)، بلکه برعکس تصریح شده است این برنامه باید مطابق محدودیت

هایی باشد که به توافق طرف غربی رسیده باشد، مانند محدودیت های عملی، انجام اقدامات شفاف ساز و حصول یقین به صلح آمیز بودن ماهیت برنامه هسته ای ایران.

بسیار مناسب بود که مذاکره کنندگان ایرانی بر این امر اصرار کرده و برنامه غنی سازی ایران را به همان صورتی که در ماده چهارم ان.پی.تی آمده است، می پذیرفته اند، نه براساس تعریف کشورهای غربی زیاده خواه و مستکبر و مطابق محدودیت هایی که آنها در نظر گرفته اند.

۷- در مورد کمیسیون مشترک آمده است که این کمیسیون مرکب از ایران و در طرف دیگر، سه کشور اروپایی (یعنی آلمان، فرانسه و انگلستان)، سه کشور دیگر (یعنی آمریکا، چین و روسیه) و اتحادیه اروپا می باشند، (E۳/EU+۳)؛ علاوه بر این، آژانس نیز به عنوان ناظر باید نسبت به این تعهدات راستی آزمایی کند. معنای این امر آن است که ایران علاوه بر کشورهای ۵+۱، باید موافقت ده ها کشور اتحادیه اروپا را نیز بدست آورد. (جالب است وقتی این امر را در کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس به آقای عراقچی - مذاکره کننده و معاون وزیر خارجه - یاد آور شدم، ایشان با کمال تعجب در جواب من بیان کرد: «حتما اشتباه تایپی رخ داده است». این سخن بسیار تاسف برانگیز است، و انتظار ما این است که مذاکره کنندگان ما از دقت بیشتری برخوردار باشند.)

۸- در مورد گامها، گاهی به «measures» تعبیر کرده است، و گاهی به «steps». برای نمونه، در مقدمه

آمده است: **There would be additional steps in between the initial measures and the final step.**

چه فرقی میان این دو تعبیر وجود دارد؟ اگر فرقی میان آندو موجود نیست چرا در یک توافقنامه حقوقی بین المللی که ۱۰ سال روی آن در حال مذاکره بوده اند، این واژه به یک صورت بیان نشده است؟ فراموش نکنیم که بیش از یک سال و نیم است که مذاکره کنندگان ایرانی با آژانس صرفا نسبت به ۹ پاراگراف - به سبب اختلاف معانی واژه ها - مذاکره کرده اند.

۹- مراد از راه حل جامع همان امری است که به عنوان گام نهایی در متن توافقنامه ذکر شده است.

۲- عناصر گام اول

گام اول، دارای زمان ۶ ماهه است، البته این زمان قابل تمدید است.

در گام اول ابتدا اقدامات داوطلبانه ایران ذکر شده است و سپس به اقدامات طرف غربی اشاره گردیده است.

اقداماتی که ایران باید انجام دهد

- ۱- نیمی از اورانیوم غنی شده ۲۰٪ برای سوخت رآکتور تهران مصرف می شود و نیمی دیگر، به ۰۵٪ تبدیل خواهد شد.
- ۲- خط اعاده به وضع سابق نباید موجود شود.
- ۳- ایران در این ۶ ماه غنی سازی بیش از ۰۵٪ نخواهد داشت.
- ۴- هیچ پیشرفتی در تاسیسات غنی سازی سوخت نطنز انجام نگیرد، یعنی در طول ۶ ماه به سانتریفیوژهایی که نصب شده اند ولی غنی سازی اورانیوم انجام نمی دهند گاز UF_۶ تزریق نگیرد.
- ۵- هیچ سانتریفیوژ جدیدی در نطنز نصب نگیرد.
- ۶- در طول اولین ۶ ماه، در مقام تعویض سانتریفیوژ ایران از همان نسل جایگزین خواهد کرد. (ذیل مورد چهارم، و موارد پنجم و ششم در پاورقی مربوطه ذکر شده است).
- ۷- هیچ پیشرفتی در تاسیسات غنی سازی سوخت فردو انجام نگیرد، یعنی غنی سازی بیش از ۰۵٪ در ۴ آبشار فردو انجام نشود.
- ۸- ظرفیت غنی سازی در فردو افزایش نیابد.
- ۹- گاز UF_۶ به ۱۲ آبشار دیگر فردو تزریق نگیرد تا در حال غیر عملیاتی باقی بمانند. (یعنی سه چهارم فردو تعطیل شود و فقط به یک آبشار گاز تزریق گردد).
- ۱۰- بین آبشارها در فردو ارتباط برقرار نگیرد.

۱۱- در طول اولین ۶ ماه ایران در فردو سانتریفیوژ از همان نسل را جایگزین می کند. (ذیل شماره هفتم تا شماره یازده در پاورقی مربوطه ذکر شده است).

۱۲- ایران هیچ پیشرفتی را در مورد رآکتور اراک ایجاد نمی کند، ایران در مورد نگرانی ها نسبت به ساخت رآکتور اراک اعلام می کند که در مدت ۶ ماه، اولاً: این رآکتور را راه اندازی نمی کند، ثانیاً: سوخت و آب سنگین به رآکتور منتقل نمی کند، ثالثاً: سوخت اضافی آزمایش نمی کند، رابعاً: سوخت بیشتر برای رآکتور تولید نمی کند، و خامساً: اجزای باقیمانده رآکتور را نصب نمی کند. (این در امر پاورقی مربوطه ذکر شده است).

۱۳- مواد Uf_6 با غنای ۰.۵٪ - که جدیداً غنی شده اند - به اکسید تبدیل شوند.

۱۴- مراکز جدید غنی سازی ایجاد نگردد.

۱۵- فعالیت های مربوط به تحقیق و توسعه غنی سازی مجاز است مادامی که به قصد انباشت اورانیوم غنی شده نباشد.

۱۶- بازفرآوری و نیز ساخت مکانی که توانایی بازفرآوری داشته باشد، مجاز نیست.

نظارت های بیشتر و ارایه اطلاعات خاص ظرف سه ماه

۱۷- ارایه اطلاعات خاص به آژانس بین المللی در مورد برنامه های ایران در مورد تاسیسات هسته ای.

۱۸- توصیف و شرح هر ساختمانی که در هر سایت هسته ای وجود دارد.

۱۹- توصیف میزان و سطح فعالیت هایی که در هر مکان مربوط به فعالیت های هسته ای انجام می شود.

۲۰- ارایه اطلاعات مربوط به معادن اورانیوم.

۲۱- ارایه اطلاعات مربوط به کارخانه های تولید اورانیوم (کارخانه های نورد اورانیوم).

۲۲- ارایه اطلاعات مربوط به مواد منبع.

۲۳- تسلیم یک پرسشنامه به روز شده از اطلاعات طراحی رآکتور اراک به آژانس.

۲۴- برداشتن گام هایی در موافقت با آژانس در جهت اعمال پادمان در مورد راکتور اراک.

۲۵- زمانی که بازرسان آژانس برای راستی آزمایی اطلاعات خاص، اطلاعات مربوط به بازدیدهای موقت و سرزده، اطلاعات مربوط به بازدید فیزیکی و بازدیدهای بدون اطلاع، حضور ندارند، باید بتوانند در نظنز و فردو به صورت روزانه به دوربین های ناظر که آفلاین هستند، دسترسی داشته باشند.

۲۶- بازرسان آژانس باید دسترسی مدیریت شده به کارگاه های مونتاژ سانتریفیوژ داشته باشند، (پاورقی: تولید سانتریفیوژ ایران در ۶ ماه صرفا مختص به جایگزینی سانتریفیوژهایی است که خراب شده اند).

۲۷- بازرسان آژانس باید دسترسی مدیریت شده به کارگاه های تولید «روتور» سانتریفیوژ و انبارهای نگهداری آنها داشته باشند. [روتور به دستگاه چرخنده سانتریفیوژ گفته می شود که در هر ثانیه هزار دور می چرخد].

۲۸- بازرسان آژانس باید دسترسی مدیریت شده به معادن اورانیوم و کارخانه های نورد اورانیوم داشته باشند.

اقداماتی که در مقابل باید انجام گردد

اقداماتی که در مقابل از سوی ۱+۵ و اتحادیه اروپا باید انجام شود عبارتند از:

۱- توقف موقت (pause) فعالیت ها نسبت به کاهش فروش نفت خام ایران، به طوری که مشتریان کنونی بتوانند به مقدار کنونی از ایران نفت بخرند.

۲- ایران می تواند مبلغ مورد توافق از دارایی های بلوکه شده خود را وارد ایران کند.

۳- نسبت به آن مقدار فروش نفت ایران، تحریم های اروپا و آمریکا نسبت به خدمات بیمه و حمل و نقل تعلیق می شود.

۴- تعلیق تحریم های آمریکا و اروپا نسبت به صادرات پتروشیمی و خدمات مرتبط با آن (پاورقی: مراد از خدمات مرتبط هر خدمتی مانند بیمه، مالی و حمل و نقل است که تحت تحریم می باشد).

۵- تعلیق تحریم طلا و فلزات گرانبها و خدمات مرتبط با آنها.

- ۶- تعلیق تحریم های آمریکا نسبت به صنعت خودروسازی ایران و خدمات مرتبط با آن.
- ۷- صدور مجوز برای تأمین و نصب قطعات یدکی جهت امنیت پروازهای غیر نظامی و خدمات مرتبط با آن.
- ۸- صدور مجوز برای بازرسی های مربوط به ایمنی پرواز و تعمیرات و خدمات مرتبط با آن. (پاورقی: رفع تحریم ها شامل هر خط هوایی تحریم نشده و نیز ایران ایر می شود).
- ۹- هیچ تحریم جدید هسته ای از سوی شورای امنیت سازمان ملل وضع نمی شود.
- ۱۰- هیچ تحریم جدید هسته ای از سوی اتحادیه اروپا وضع نمی شود.
- ۱۱- دولت آمریکا از تحمیل تحریم های جدید مرتبط با هسته ای خودداری می کند.
- ۱۲- تاسیس یک کانال مالی برای تسهیل تجارت بشر دوستانه جهت نیازهای داخلی ایران با استفاده از دارایی های بلوکه شده نفتی ایران در خارج از کشور، که شامل: خرید محصولات کشاورزی، محصولات غذایی، دارو، تجهیزات پزشکی و نیز پرداخت هزینه های پزشکی در خارج از کشور می شود. این کانال مالی از یک طرف بانک معین خارجی است و از طرف دیگر، بانک تحریم نشده ایرانی است.
- ۱۰- رفع تحریم نسبت به پرداخت مالی ایران به سازمان ملل از طریق آن کانال مالی.
- ۱۱- رفع تحریم نسبت به پرداخت شهریه مستقیم دانشجویان ایرانی در خارج به دانشگاه ها و کالج های خارجی از طریق همان کانال مالی به مقدار مورد توافق در ۶ ماه.
- ۱۲- افزایش اندازه و سطح اختیارات نسبت به تراکنش های مالی اتحادیه اروپا در مورد تجارت های تحریم نشده به مقدار مورد توافق.

تاملاتی چند

- ۱- هیچ توازنی میان داده ها و آنچه که گرفته ایم وجود ندارد.

۲- مهمترین نکته ای که در این توافقنامه، آمریکا و سایر کشورهای زورگویی جهان بدست آورده اند، خارج کردن ایران از «نقطه گریز» و یا «نقطه جهش» است، به تصریح یکی از مسئولان آمریکا (جان کری یا اوباما) با این کار توانستیم امنیت اسرائیل را تامین کنیم.

براساس محاسبات هسته ای، هر کشوری که ۲۷۰ کیلو اورانیوم غنی شده ۲۰٪، ۱۰ تن اورانیوم غنی شده ۰۵٪ و ۲۰ هزار سانتریفیوژ داشته باشد، می تواند ظرف دو هفته به یک بمب اتمی اورانیومی ۲۵ کیلوگرمی با غنای ۹۵٪ دست پیدا کند. (به چنین حالتی نقطه گریز گفته می شود)

اگرچه ایران بدنال سلاح هسته ای نیست، و فتوای مقام معظم رهبری در مورد حرمت تولید سلاح هسته ای و نگه داری آن برای ما از هر قرارداد بین المللی بالاتر است، اما داشتن مواد غنی شده فوق و نیز تعداد سانتریفیوژهای بیان شده می تواند دست برتر را به ایران داده و از حمله کشورهایی مانند اسرائیل به ایران جلوگیری کند. متأسفانه مذاکره کنندگان ایرانی تعهد کرده اند که تمام مواد غنی شده ۲۰٪ را از بین ببرند. (براساس بند ۱ از مواردی که در گام اول مذاکره کنندگان ایرانی تعهد داده اند.)

از سوی دیگر، متعهد شده اند که بر ذخایر ۰۵٪ نیز نیافزاییم، یعنی نباید بر مقدار ۷تن مواد غنی شده ۰۵٪ که داریم، هیچ مقدار دیگری افزوده شود. (براساس بند ۱۳ از مواردی که در گام اول، مذاکره کنندگان ایرانی تعهد کرده اند.) نیز هیچ مرکز دیگری برای غنی سازی ایجاد نگردد. (براساس بند ۱۴ از مواردی که در گام اول، مذاکره کنندگان ایرانی تعهد کرده اند.)

از ناحیه سوم، مذاکره کنندگان ایرانی تعهد کرده اند هیچ سانتریفیوژ جدیدی تولید و نیز نصب نگردد، (براساس بندهای ۲۶ و ۵ از مواردی که در گام اول، مذاکره کنندگان ایرانی تعهد کرده اند.) و نیز سه-چهارم فردو (براساس بند ۹ از مواردی که در گام اول، مذاکره کنندگان ایرانی تعهد کرده اند.) و تقریباً نیمی از سانتریفیوژهای نطنز (براساس بند ۴ از مواردی که در گام اول، مذاکره کنندگان ایرانی تعهد کرده اند.) باید تعطیل شوند.

از سوی چهارم نیز مذاکره کنندگان ایرانی تعهد کرده اند که رآکتور اراک و نیز آب سنگین اراک به صورت تعلیق در آمده و از کار باز ایستد. (براساس بند ۱۲ از مواردی که در گام اول، مذاکره کنندگان ایرانی تعهد کرده اند.)

از جهت پنجم هر گونه باز فرآوری و نیز تاسیساتی که توانایی بازفرآوری دارند، ممنوع شده است. (براساس بند ۲ و ۱۶ از مواردی که در گام اول، مذاکره کنندگان ایرانی تعهد کرده اند).

(جالب است که در بیانیه توجیهی ای که سران آمریکا برای مردم خودشان در مورد تفاهمنامه ژنو صادر کرده اند همه نکات فوق آمده است، از جمله ذکر شده است که ایران: «ذخایر اورانیوم ۳/۵ درصدی خود را افزایش ندهد، بدین ترتیب به مقدار ذخایر در پایان ۶ ماه افزوده نمی شود و تولیدات جدید نیز به شکل اکسید در می آید»؛ «نیمی از سانتریفوژهای نصب شده در نظنز و سه چهارم دستگاه های نصب شده در فوردو را غیرفعال نگه دارد به طوری که امکان استفاده از آنها برای غنی سازی وجود نداشته باشد»؛ «ساخت سانتریفوژ را فقط برای جایگزین کردن دستگاه های آسیب دیده ادامه دهد»؛ «از این رو ایران طی شش ماه آینده قادر نخواهد بود به ذخایر اورانیوم غنی شده خود بیفزاید؛ تاسیسات غنی سازی جدید نسازد»؛ «ذخایر اورانیوم ۳/۵ درصدی خود را افزایش ندهد، بدین ترتیب به مقدار ذخایر در پایان ۶ ماه افزوده نمی شود و تولیدات جدید نیز به شکل اکسید در می آید»؛ «ایران تعهد کرده است که به پیشروی در فعالیت های رآکتور اراک ادامه ندهد و مسیر تولید پلوتونیوم را متوقف کند. ایران متعهد شد که:

رآکتور اراک را راه اندازی نکند، سوخت وارد رآکتور اراک نکند، تولید سوخت برای رآکتور اراک را متوقف کند، دیگر آزمایش های سوخت برای این رآکتور انجام ندهد، قطعات دیگر در رآکتور اراک نصب نکند، سوخت و آب سنگین به محل این رآکتور منتقل نکند، مرکز ویژه بازفرآوری نسازد. ایران بدون بازفرآوری نمی تواند پلوتونیوم را از سوخت مصرف شده جدا کند.»

این امور از نکات مهمی بوده اند که ایران می توانست بر اساس آنها دست برتر را داشته باشد و حداکثر با قبول برخی از آنها لغو کل تحریمها به ویژه تحریم های سخت نفتی و بانکی را خواستار گردد. اما متاسفانه مذاکره کنندگان ایرانی همه این امور و امتیازاتی را که ملت بزرگ ایران با تحمل سالها رنج و سختی و با نثار خون شهدای گوناگون هسته ای بدست آورده بودند، به ثمن بخش فروخته اند. (در بیانیه توجیهی آمریکا در مورد تفاهمنامه ژنو نیز در این مورد آمده است: امتیازاتی که ایران به عنوان بخشی از این قدم اولیه تعهد کرده است، شفافیت بیشتری فراهم می کند و امکان بازرسی های سرزده از برنامه هسته ای اش را ایجاد می نماید. در گذشته، نگرانی این بود که ایران از مذاکرات برای وقت کشی و پیشبرد برنامه اش استفاده می کند. اما این اقدامات کمک خواهد کرد وقتی برای رسیدن به یک توافق جامع بلند مدت مذاکره می کنیم، ایران نتواند از سپر مذاکرات برای پیشبرد برنامه هسته ای اش استفاده کند.

در عوض، به عنوان بخشی از اقدامات اولیه، گروه ۵+۱ تحریم های ایران را به صورت محدود، موقت، هدفمند و قابل برگشت لغو خواهد کرد. این کاهش تحریم به گونه ای سازماندهی می شود که بخش عمده شبکه تحریم از جمله تحریم های کلیدی در بخش نفت، بانکی و مالی پابرجا بماند.

گروه ۵+۱ با قاطعیت به اجرای این تحریم ها ادامه می دهد. اگر ایران نتواند به تعهدات خود عمل کند، ما لغو محدود را متوقف می کنیم و تحریم های جدید وضع خواهیم کرد.

چنانکه ملاحظه می شود تمام بخشهای هسته ای ایران - یعنی فردو، نطنز و اراک - از کار افتاده و یا به صورت نیمه تعطیل در آمده است. حق تولید سانتریفیوژ، حق نصب سانتریفیوژ جدید (جز در موارد خرابی ها)، حق غنی سازی ۲۰٪، حق غنی سازی ۵٪ بیش از مقداری که داریم، (البته در نهایت، و در گام نهایی با محدودیت هایی که ایجاد کرده اند، ایران نمی تواند غنی سازی نیز داشته باشد). حق برخورداری از آب سنگین اراک و نیز حق برخورداری از رآکتور اراک را نداریم.

از دست دادن تقریباً همه بخشهای هسته ای ایران به قیمت به دست آوردن چه چیزی بوده است؟ چنانکه خواهیم دید تقریباً تمام بخشهای تحریم نفتی و بانکی سخت علیه ایران به حال خود باقی مانده است، و معلوم نیست چرا مذاکره کنندگان ایرانی چنین توافقنامه ای را پذیرفته اند؟

سوال جدی قابل تامل آن است که چرا آمریکا و کشورهای مستکبر غربی حاضر به مذاکره با ما در سالهای اخیر شده اند؟ چرا آنها تحریم ها را ادامه نداده تا ایران روزی - به زعم آنها - کاملاً تسلیم گردد؟ پاسخ آن است اگر آنها با زورگویی تمام از اهرم فشار تحریم استفاده می کردند، ایران نیز دارای اهرم فشار مختلفی بوده است، ایران دارای قدرت غنی سازی بالا، بیش از صدها کیلو مواد غنی شده ۲۰٪، دستیابی به تکنولوژی ساخت سانتریفیوژهای نسل های برتر (سانتریفیوژهای نسل دوم چهار برابر نسل اول کارایی دارند و سانتریفیوژهای نسل بعدی کارایی های بیشتری خواهند داشت)، دستیابی به آب سنگین و نیز رآکتوری که با آب سنگین کار می کند، دستیابی به قدرت بازآوری و ... بوده است. براساس موارد فوق، ایران می توانست به موادی با غنای مورد دلخواه خودش دست یابد و در هر موردی که صلاح بداند بکار گیرد.

این امور کافی بوده است که آمریکا را به میز مذاکره بکشاند. اما متأسفانه علیرغم اینکه بیش از ۹۰٪ اهرم فشار آمریکا و طرف غربی - یعنی تحریم های اصلی نفتی و بانکی - به حال خود باقی است، ما در گام اول و گام

دوم تقریبا همه امتیازات و اهرم های فشار خود را از دست داده ایم. از این رو، مذاکره کنندگان ایرانی کاملا زمین بازی را به صورت یک طرفه به نفع کشورهای زورگو و مستکبر آماده کرده اند. (سران آمریکا در بیانیه توجیهی خود در مورد تفاهمنامه ژنو به همین مسائل اشاره کرده و آورده اند: «این قدم اول به خودی خود یک معامله بزرگ محسوب می شود. بدون این توافق مرحله ای، ایران هزاران سانتریفیوژ دیگر را به چرخش در می آورد و سانتریفیوژهای نسل جدید که زمان رسیدن به مرحله آستانه هسته ای را کوتاهتر می کنند، نصب می کرد. همچنین می توانست راکتور آب سنگین اراک را راه اندازی کند و ذخایر اورانیوم ۲۰ درصدی خود را افزایش دهد. اما در شرایطی که این توافق ایجاد کرده است، ایران نمی تواند هیچکدام از کارها را انجام دهد.

افزون بر این، اگر توافق مرحله ای حاصل نمی شد، تحریم های بین المللی با خطر فروپاشی روبرو می شد زیرا ایران می توانست ادعا کند که در مذاکره جدی بوده اما غرب جدی نبوده است. در این صورت ما نمی توانستیم شرکای خود را به ادامه کار و اجرای تحریم متقاعد سازیم. حالا که توافق حاصل شده است، ما می توانیم برنامه ایران را متوقف کنیم و به عقب برانیم و به ایران یک گزینه بدهیم: به تعهدات خود عمل و برای رسیدن به معامله نهایی با حسن نیت مذاکره کند و گرنه جامعه جهانی با تحریم و فشار بیشتر پاسخ می دهد.»

۳- از سوی دیگر مذاکره کنندگان ایرانی حق نظارت بر معادن، تمام سایت های هسته ای ایران از جمله فردو، نطنز و اصفهان، راکتور و آب سنگین اراک، کارگاه های ساخت و مونتاژ سانتریفیوژها و چرخنده آنها (که ممکن است در کارگاههایی تولید شوند که ابزار نظامی در آنها تولید می شوند) را به صورت سرزده و نیز با اطلاع و بدون اطلاع را برای آژانس پذیرفته اند (براساس بندهای ۱۷ تا ۲۸ از مواردی که در گام اول، مذاکره کنندگان ایرانی تعهد کرده اند)، نیز اطلاع یافتن آنها را از تمام برنامه ها و طراحی های هسته ای ایران، وجود ساختمانها در هر سایت هسته ای و سطح و گستره فعالیت های در حال انجام در آن سایتها را تعهد کرده اند، آیا می توان امنیتی برای دانشمندان هسته ای ایران و نیز تکنولوژیهای پیشرفته بکار رفته در آن سایتها تأمین کرد؟ هیچ کس تردیدی ندارد که حداقل برخی از بازرسان آژانس جاسوس هستند، و یادمان نرفته است که ویروس «استاکس نت» که از سوی همین عده وارد سانتریفیوژهای ما شده است، ۳۰۰۰ سانتریفیوژ را از کار انداخته است.

جای تعجب و سوال است که مذاکره کنندگان ایرانی براساس کدام منطق تقریبا تمام امتیازات ملت بزرگ

ایران به دشمنان داده اند؟

براین اساس پیش بینی می شود -به دلیل اینکه دشمنان ما به پیروزی بزرگی دست یافته اند- هیچگاه این تفاهم نامه را نقض نخواهند کرد، و سخنان مغرضانه اسرائیل برای آن است که دست بالاتر را همیشه داشته باشند.

۴- راستی در مذاکرات بعدی که باید تحریم های سخت نفتی و بانکی را برطرف کنیم، آیا چیزی برای مذاکره داریم؟ به قول آقای روانچی، در مذاکره باید چیزی بدهیم و چیزی بگیریم، حال در مذاکره اصلی چه چیزی را باید بدهیم تا دشمنان ما تحریم های اصلی یعنی تحریم بانکی و نفتی را رفع کنند؟ آیا می خواهیم اصل فردو یا نظنز را نیز بدهیم؟ (قابل توجه است که به تصریح آقای عراقچی در کمیسیون امنیت ملی، اراک که خط قرمز ما بوده است را در همان مذاکرات اولیه برای تفاهم نامه ژنو از دست داده ایم.) در پاسخ همین سوال آقای تخت روانچی -از مذاکره کنندگان تفاهم نامه ژنو- در جلسه فراکسیون اصولگرایان مجلس در بعد از ظهر تاریخ ۱۳۹۲/۹/۱۲ که برای همین موضوع تشکیل شده بود، بیان داشته اند که ما در انتهای کار برای مذاکره: ۱- ۷ تن مواد غنی شده ۰.۳/۵٪ داریم، ۲- اراک را داریم، ۳- فردو را داریم و ۴- پروتکل الحاقی را داریم. (همین اظهارات از سوی آقای عراقچی در جلسه کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در تاریخ عصر سه شنبه ۱۳۹۲/۹/۱۹ نیز بیان گردیده است.)

سوال این است که این امور از خطوط قرمز نظام است یا اموری هستند که قابل مذاکره هستند؟ با توجه به اینکه ما از دستیابی به بهره برداری از اراک در همین تفاهم نامه دست کشیده ایم، در فردو نیز قبول کرده ایم که غنی سازی ۲۰٪ نداشته باشیم، روی چه امری می خواهیم مذاکره کنیم؟ آیا از غنی سازی ۰.۵٪ می خواهیم دست بکشیم؟ آیا می خواهیم ۷ تن ذخیره را نابود کنیم؟ روشن است که تنها برای سوخت رآکتور بوشهر برای تولید هزار مگاوات برق، نیازمند ۳۰ تن اورانیوم غنی شده ۰.۳/۵٪ تا ۰.۵٪ در سال هستیم، در حالی که ظرفیت غنی سازی موجود در نظنز صرفاً سالی ۲ تن است، در این صورت ما برای تولید سوخت یک سال رآکتور بوشهر نیازمند ظرف زمانی ۱۵ سال هستیم. با عنایت به تعهد مذاکره کنندگان ایرانی به عدم نصب سانتریفیوژهای نسل جدید (براساس بندهای ۶ و ۱۱ از مواردی که در گام اول، طرف ایرانی پذیرفته است) -که قابلیت های زیادی در سرعت و نیز حجم غنی سازی دارند- معلوم نیست از دست دادن ۷ تن مواد غنی شده منتهی به چه وابستگی تمام عیار به دشمنان خواهد شد؟

در مورد پروتکل الحاقی نیز باید توجه داشته باشیم که متأسفانه بدون تصویب مجلس برخی از بندهای آن از جمله نظارت های سرزده بدون اطلاع و با اطلاع (براساس بند ۲۵ از مواردی که در گام اول، طرف ایرانی داده تعهد کرده است) را مذاکره کنندگان ایرانی پذیرفته اند. از سوی دیگر، با عنایت به از دست دادن بخش غالب هسته ای کشور، پذیرش یا عدم آن هیچ امتیازی برای ایران نبوده و نمی تواند به وسیله آن تحریم های سخت نفتی یا بانکی را از بین برد.

۵- اما آنچه که بدست آورده ایم، رفع تحریم های اصلی و سخت بانکی و نفتی نیست، بلکه به دو بخش وعده های نسبی و موارد نازل فعلی و نقدی تقسیم می شود، (در بیانیه توجیهی آمریکا در مورد تفاهمنامه ژنو در این مورد آمده است: در ازای این گام ها از سوی ایران کشورهای ۵+۱ امتیازهایی محدود، موقت، هدفمند و قابل بازگشت به ایران ارائه خواهند داد و در عین حال بخش اعظم تحریم های ما، از جمله تحریم نفت، نظام مالی و بانکی در جای خود باقی خواهند ماند. اگر ایران نتواند به تعهدات خود عمل کند ما کاهش تحریم ها را ملغی اعلام خواهیم کرد):

الف- اما وعده های نسبی: به ایران وعده داده شده است که اگر به تعهدات خود عمل کند، تحریم های جدیدی در آینده از سوی شورای امنیت سازمان ملل (براساس بند ۹ از مواردی که در گام اول، غربی ها تعهد کرده اند)، اتحادیه اروپا (براساس بند ۱۰ از مواردی که در گام اول، غربی ها تعهداتی کرده اند) و آمریکا (براساس بند ۱۱ از مواردی که در گام اول، که غربی ها تعهد کرده اند) وضع نمی شود.

ب- اما وعده های نقد: طرف غربی بیان کرده است (قابل توجه است که رقم های زیر در توافقنامه ذکر نگردیده است بلکه بیرون از آن از سوی مسئولین آمریکایی در بیانیه توجیهی بیان شده است و اگر آنها نسبت به اعداد و ارقام بیان شده مشکل ایجاد کنند، طرف ایرانی نمی تواند اعتراض کند):

از ۱۰۰ میلیارد دلاری که به زور از ایران بلوکه شده است، تقریباً ۸ میلیارد دلار را در طول ۶ ماه به صورت قسطی به ایران می شود، از فروش نفت ایران در طول ۶ ماه، ایران می تواند تنها به ۲۰٪ آن دسترسی داشته باشد، (که معادل ۴/۲ میلیارد دلار است، در بیانیه توجیهی آمریکا در مورد تفاهمنامه ژنو در این مورد آمده است: «به شرطی که ایران به تعهداتش عمل کند ۴/۲ میلیارد دلار حاصل از این فروش به شکل اقساط به ایران منتقل می شود.») و با بخشی از بقیه پول نفت که به مقدار بلوکه شده های ایران افزوده می شود، می تواند خوراک، دارو و لوازم

پزشکی تهیه کند، نیز با بخش دیگر آن بدهی خود را به سازمان ملل و نیز دانشگاه ها و کالج های خارجی پرداخت کند،(بدهی به کالج ها و دانشگاه های خارجی ۴۰۰ میلیون دلار است که به ما اجازه داده اند این مبلغ را به آنها پرداخت کنیم. در بیانیه توجیهی آمریکا در مورد تفاهمنامه ژنو آمده است: ۴۰۰ میلیون دلار از سرمایه های دولتی ایران را مستقیماً به مؤسسات آموزشی شناخته شده در کشورهای ثالث منتقل کند تا هزینه تحصیل دانشجویان ایرانی پرداخت شود.) نیز بخش خودروسازی، صادرات پتروشیمی و طلا و فلزات گرانبها آزاد می گردد، (در بیانیه توجیهی آمریکا در مورد تفاهمنامه ژنو آمده است: موارد خاص تحریم بر طلا و فلزات گرانبها، بخش خودروسازی ایران، و صادرات محصولات پتروشیمی را به حالت تعلیق در آورد، که این امر به طور بالقوه نزدیک به ۱/۵ میلیارد دلار برای ایران عایدات دارد.) نیز تامین قطعات هواپیما از تحریم رها خواهند شد، و اروپا نیز می تواند سطح معاملات خود را با ایران به ۱ میلیون دلار ارتقا دهد. (این آمارها از سوی آقای عراقچی نیز در جلسه کمیسیون امنیت ملی مجلس در تاریخ ۱۳۹۲/۹/۵ بیان شده است.)

اندک دقتی در آمارهای فوق روشن می سازد که فاصله میان آنچه بدست آورده ایم و آنچه که متاسفانه از دست داده ایم، بسیار زیاد است. هر منصفی نیز به راحتی در می یابد که از دست دادن حداقل ۹۰٪ امتیازات یک ملت مقاوم برای بدست آوردن حداکثر ۱۰٪ معامله ای نادرست و تفاهمی زیانبار و بسیار خسارت آفرین است. (در بیانیه توجیهی آمریکا در مورد تفاهمنامه ژنو آمده در این مورد آمده است: در مرحله اول، ما به اجرای تحریم علیه ایران ادامه می دهیم و علیه کسانی که سعی می کنند تحریم ها را دور بزنند، اقدام خواهیم کرد؛ تحریم های مرتبط با فروش نفت خام ادامه می یابد؛ تحریم های مرتبط با صادرات محصولات پتروشیمی به ایران که موجب از دست رفتن میلیاردها دلار از درآمدهای ایران شده است، به قوت خود باقی می ماند؛ بخش عمده دارایی های ۱۰۰ میلیارد دلاری خارجی ایران غیرقابل دسترس باقی می ماند.

- دیگر بخش های مهم تحریم ها دست نخورده باقی می ماند. از جمله:

۱. تحریم علیه بانک مرکزی ایران و ده ها بانک بزرگ و نهاد مالی دیگر.
۲. تحریم های ثانویه که بر اساس لایحه جامع تحریم های ایران (سیسادا) علیه بانک هایی وضع شده است که با شرکت ها و اشخاص تحریم شده همکاری می کنند.
۳. تحریم کسانی که خدمات دیگر مالی همچون خدمات بیمه به ایران می دهند.
۴. دسترسی محدود به نظام مالی آمریکا

- همه تحریم ها علیه ۶۰۰ فرد و نهاد که با برنامه موشکی و هسته ای ایران همکاری می کنند، به قوت خود باقی می ماند.

- تحریم بخش های مختلف اقتصاد ایران از جمله کشتی رانی و کشتی سازی به قوت خود باقی می ماند.
- تحریم سرمایه گذاری های بلند مدت و منع ارائه خدمات فنی به بخش انرژی ایران به قوت خود باقی می ماند.
- تحریم علیه برنامه نظامی ایران به قوت خود باقی می ماند.
- محدودیت های گسترده آمریکا برای تجارت با ایران به قوت خود باقی می ماند و ایران کماکان از داد و ستد با بزرگترین اقتصاد جهان محروم می ماند.
- کلیه تحریم های شورای امنیت سازمان ملل پابرجا می ماند.
- همه تحریم های مرتبط با حمایت ایران از تروریسم، نقش بی ثبات کننده اش در بحران سوریه و سوابق بد حقوق بشری اش به قوت خود باقی می ماند؛ امروز گروه ۵+۱ و ایران به مجموعه ای از تفاهمات اولیه دست یافتند که مانع پیشرفت برنامه هسته ای می شود و ابعاد کلیدی آن را به عقب می راند. این تفاهم، اولین محدودیت های معناداری است که ایران طی یک دهه گذشته در برنامه خود پذیرفته است.
- ۶ ماه آغازین، شامل اعمال محدودیت های مهم در برنامه هسته ای ایران است که باید به تدریج فوری ترین نگرانی های ما را از جمله توانمندی غنی سازی ایران، ذخایر کنونی اورانیوم غنی شده اش، تعداد و توانمندی هایش در زمینه سانتریفیوژها و توانایی اش در تولید پلوتونیوم در رآکتور اراک برطرف سازد.
- با عنایت به موارد فوق پیشنهاد می شود برای جبران خسارتهای بیان شده و نیز برای جلوگیری از خسارت های بیشتر تغییری در تیم مذاکره کننده ایجاد و حداقل، این تیم به وسیله افراد دلسوز و کارشناس تقویت گردد.
- ۶- از ابهامات دیگر آن است که در ابتدای گام اول در متن تفاهم نامه آمده است که مدت اجرایی کردن گام اول، ۶ ماه است اما این مدت قابل تمدید است. سوال این است که این مدت برای چند بار قابل تمدید است، آیا طرف غربی به بهانه های گوناگون ما را در همین مرحله -که ما تقریباً کل صنعت هسته ای خود را به حالت تعلیق در آورده ایم- نگه نمی دارد؟ در صورتی که آنها این کار را انجام بدهند، آیا براساس تفاهم نامه می توان به آنها اعتراض کرد؟ جالب است در متن توافقنامه علاوه بر این که مدت ۶ ماه را قابل تمدید می داند، این مدت را به دو صورت بیان کرده است:

الف- در جمله ابتدایی گام اول، به این مدت اشاره کرده و می گوید: -The first step would be time-

bound, with a duration of 6 month

ب- اما در توضیح وظایف ایران در نطنز و نیز فردو با یک تعبیر واحد آورده است: Iran announces that during the first 6 month (first) برای رساندن چه مطلبی است؟ آیا این امر تصریح به تمدیدهای مکرر مدت ۶ ماه نیست؟
بهرتر آن بود که مذاکره کنندگان ما دقت بیشتری به خرج می داده و از کلمات روشن و شفاف استفاده می کردند.

۳- گام میانی

این گام به صورت مستقل مطرح نگردیده است بلکه در مقدمه به صورت یک پارگراف ذکر شده است. در این گام تصریح شده است: که میان گام اولیه و گام نهایی باید گامهای اضافی دیگری برداشته شود، در این گامها باید به قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل پرداخته شود تا در مورد موضوع هسته ای به یک نتیجه رضایت بخش نسبت به ملاحظات شورای امنیت منتهی شود.

تاملاتی چند

- ۱- اولین ابهام آن است که چرا این گام به صورت مستقل -مانند گامهای اول و نهایی- ذکر نگردیده است؟
- ۲- تاریخ شروع و پایان این گام معین نیست. این گام باید همراه گام اول برداشته شود یا بعد از آن؟
- ۳- علاوه براین، آن گامها کدامند؟ ایران باید چه کارهایی را انجام دهد تا به صورت رضایت بخش، به نتیجه دلخواه طرف غربی منتهی گردد؟ مبهم گذاشتن آنها -و متاسفانه پذیرش آن به صورت مبهم از سوی مذاکره کنندگان ایرانی- کار را بسیار دشوار خواهد کرد.

۴- مراد از نتیجه رضایت بخش (satisfactory conclusion) چیست؟ قید رضایت بخش یک قید کیفی است و طرف غربی می تواند مدعی شود که اقدامات شما رضایت بخش نبوده است. در این صورت چگونه می توان مشکل را حل کرد؟ روشن است که در کمیسیون مشترک، اگرچه یک طرف آن ایران است اما طرف دیگر آن کشورهای ۵+۱ و اتحادیه اروپا است، یعنی همان کشورهایی که عضو شورای امنیت هستند، طرف دعوای ما می باشند. جلب رضایت آنها چگونه محقق می شود؟ آنچه که از تجربه برخورد کشورهای مستکبر

با ملت ایران بدست می آید آنها جز با نابودی تمام امکانات و دانش هسته ای راضی نمی شوند-چنانکه در قضیه تعلیق هسته ای سال ۱۳۸۲ به آن تصریح کرده اند. براین اساس، چرا مذاکره کنندگان ایرانی دقت لازم را نداشته و از بکار بردن واژه های مبهم دوری نکرده و تعهد کرده اند که رضایت آنها را تامین کنند؟

ممکن است گفته شود که قید «رضایت بخش» یک قید مهمی نیست تا نسبت به آن نگران بود؛ اما این سخن درست نیست، زیرا اگر این قید مهم نباشد، باید بتوان آن را نادیده گرفته و حذف کرد، اما آیا طرف غربی موافق حذف این قید خواهد بود؟ عدم موافقت غربی ها حاکی از آن است که ذکر این قید برای آنها مهم و معنادار است.

۵- پرداختن (addressing) به قطعنامه های شورای امنیت به معنای چیست؟ آیا به معنای عمل کردن به آنها است یا معنای دیگری دارد؟ در جلسه کمیسیون آموزش و تحقیقات در تاریخ عصر سه شنبه ۱۳۹۲/۹/۱۹ این امر را از آقای عراقچی-مذاکره کننده توافقنامه ژنو و معاون وزیر خارجه- پرسیدم، ایشان گفتند که از نظر ما پرداختن غیر از اجرا کردن آن است، اگرچه طرف غربی معتقد است که مراد از آن، اجرا کردن آن است، به ایشان گفتم که در این گام تصریح شده است که باید به نتیجه «رضایت بخش» منتهی شود، در این صورت، با توجه به اینکه از یک سو باید رضایت آنها جلب شود و از سوی دیگر، آنها به کمتر از اجرای قطعنامه های شورای امنیت راضی نمی شوند، چگونه شما می گوئید مراد از پرداختن، اجرا کردن نیست؟

۶- اجرای قطعنامه های شورای امنیت به معنای تعلیق همه برنامه هسته ای ایران است. برخی از آنچه که در قطعنامه های مختلف شورای امنیت سازمان ملل علیه ملت ایران آمده است-مانند قطعنامه های ۱۷۳۷(۲۰۰۶)، ۱۷۴۷(۲۰۰۷)، ۱۸۰۳(۲۰۰۸)، ۱۸۸۷(۲۰۰۹) و ۱۹۲۹(۲۰۱۰) عبارتند از:

تعلیق تمام فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی ایران که شامل غنی سازی، تعطیلی آب سنگین اراک، تعطیلی رآکتور اراک، عدم بازفرآوری، تعطیلی فردو، و اجرای پروتکل الحاقی می شود، تحریم ده ها شرکت ایرانی، تحریم ده ها فرد ایرانی و بلوکه کردن دارایی های آنها، تحریم بانک های مختلف ایرانی و یا مرتبط با ایران، بلوکه کردن دارایی های ایران، تحریم کشتیرانی ایران، بازرسی کشتیهایی که برای ایران کار می کنند، تحریم هرگونه تعهد مالی برای ایران، تحریم خرید نفت از ایران، تحریم خرید و فروش تجهیزات نظامی و ...

(در بیانیه توجیهی آمریکا در مورد تفاهمنامه ژنو آمده در این مورد آمده است: - دیگر بخش های مهم تحریم ها دست نخورده باقی می ماند. از جمله:

۱. تحریم علیه بانک مرکزی ایران و ده ها بانک بزرگ و نهاد مالی دیگر.
۲. تحریم های ثانویه که بر اساس لایحه جامع تحریم های ایران (سیسادا) علیه بانک هایی وضع شده است که با شرکت ها و اشخاص تحریم شده همکاری می کنند.
۳. تحریم کسانی که خدمات دیگر مالی همچون خدمات بیمه به ایران می دهند.
۴. دسترسی محدود به نظام مالی آمریکا

- همه تحریم ها علیه ۶۰۰ فرد و نهاد که با برنامه موشکی و هسته ای ایران همکاری می کنند، به قوت خود باقی می ماند.

- تحریم بخش های مختلف اقتصاد ایران از جمله کشتی رانی و کشتی سازی به قوت خود باقی می ماند.

- تحریم سرمایه گذاری های بلند مدت و منع ارائه خدمات فنی به بخش انرژی ایران به قوت خود باقی می ماند.

- تحریم علیه برنامه نظامی ایران به قوت خود باقی می ماند.

- محدودیت های گسترده آمریکا برای تجارت با ایران به قوت خود باقی می ماند و ایران کماکان از داد و ستد با بزرگترین اقتصاد جهان محروم می ماند.

- کلیه تحریم های شورای امنیت سازمان ملل پابرجا می ماند.

پذیرش موارد فوق به معنای از دست دادن همه چیز است، و معلوم نیست که چرا مذاکره کنندگان ایرانی این موارد را پذیرفته اند؟

علاوه بر این، موضع جمهوری اسلامی ایران در مقابل این قطعنامه ها آن بوده است که شورای امنیت سازمان ملل در دست عده از کشورهای زیاده خواه و مستکبر قرار دارد و با عنایت به اینکه آژانس بین المللی صلح آمیز بودن برنامه هسته ای ایران را اذعان کرده است، صدور چنین قطعنامه هایی غیر قانونی و برخلاف مواد منشور ملل متحد است، اما پذیرش آن در این توافقنامه به معنای آن است که ما چنین قطعنامه هایی را قانونی دانسته و مدعای کشورهای خاص مستکبر را درست می دانیم و از این رو، تعهد کرده ایم که به آنها پردازیم و آنها را اجرا کنیم.

۷- متاسفانه بسیاری از مواردی که در قطعنامه های شورای امنیت آمده است، در توافقنامه ژنو از سوی مذاکره کنندگان ایرانی مورد قبول قرار گرفته است، برای نمونه، تعطیلی آب سنگین اراک، تعطیلی رآکتور اراک، عدم بازفرآوری، تعطیلی فردو، (به بندهای مذکور در گام اول مراجعه شود، البته نسبت به سایت فردو مذاکره کنندگان ایرانی تعهد کرده اند که غنی سازی ۲۰٪ را متوقف و نیز سه-چهارم فردو تعلیق گردد.) و اجرای پروتکل الحاقی از جمله آنهاست، (به بند هشتم گام نهایی مراجعه شود).

۴- گام نهایی

عناصر گام نهایی که شروع و اجرای آن نباید بیش از یکسال از تاریخ قبول این سند باشد، عبارتند از :

- ۱- گام نهایی در زمان بلند مدت انجام خواهد شد که باید روی آن زمان توافق شود.
- ۲- در این گام، حقوق و تکالیف اعضای ان.پی.تی و توافق نامه آژانس بیان خواهد شد.
- ۳- رفع جامع تحریم های شورای امنیت، چند جانبه و ملی که مربوط به برنامه هسته ای است در این گام انجام می شود، و شامل گام هایی برای دستیابی به حوزه های تجارت، تکنولوژی، مالی و انرژی مطابق یک برنامه مورد توافق است.
- ۴- این گام متضمن یک برنامه غنی سازی است که اولاً: از سوی دو طرف معین و تعریف شده باشد، ثانياً: مطابق با نیازهای عملی باشد، نیازهایی که طرفین بر آن توافق کرده باشند، ثالثاً: گستره آن مورد توافق دو طرف داشته باشد، رابعاً: سطح فعالیت های غنی سازی مورد توافق طرفین قرار گیرد، خامساً: ظرفیت آن مورد توافق طرفین قرار گیرد، سادساً: محل انجام آن با توافق دو طرف باشد، سابعاً: ذخایر اورانیوم غنی شده نیز براساس توافق دو طرف صورت گیرد، و ثامناً: این برنامه در یک زمان معین مورد توافق دو طرف انجام خواهد شد.
- ۵- رفع کامل نگرانی ها در مورد رآکتور اراک.
- ۶- بازفرآوری و نیز ساختن تاسیساتی که توانایی بر بازفرآوری ایجاد می کند، ممنوع است.
- ۷- اجرای کامل اقدامات مورد توافق شفاف ساز و افزایش نظارت.

۸- تصویب و اجرای پروتکل الحاقی.

۹- همکاری های هسته ای غیر نظامی بین المللی که شامل: دستیابی به قدرت پیشرفته آب سبک، رآکتورهای تحقیقاتی و تجهیزات مربوطه، تامین سوخت هسته ای پیشرفته و فعالیتهای تحقیقاتی و توسعه مورد توافق می باشد.

تاملاتی چند

۱- اولین ابهام در مورد گام نهایی آن است که آیا این گام بعد از انجام گام اول و گام میانی است یا مقارن آنها؟ با عنایت به اینکه زمان انجام گام اول - که ۶ ماه بوده است - قابل تمدید است، (و تعداد دفعات تمدید نیز روشن نیست) و از سوی دیگر، گام دوم نیز باید میان گام اول و گام نهایی باشد، هیچ تفکیکی میان انجام گام های اول و نهایی و نیز گام میانی وجود ندارد. چرا این ابهام وجود دارد؟

۲- در اولین بند گام نهایی آمده است که زمان این گام، طولانی است.

اولا: سوال این است که مقدار این زمان بلند مدت، چه اندازه است؟ وقتی که این سوال از آقای عراقچی در جلسه کمیسیون امنیت ملی مجلس در تاریخ ۱۳۹۲/۹/۵ پرسیده شد، ایشان در جواب گفته اند: «طرف غربی گفته است که این زمان، باید ۲۰ سال باشد، ولی ما اعتراض کردیم، و مقدار ۵ سال را مطرح کردیم، اما آنها نپذیرفتند و گفتند حداقل باید مقدار آن ۲ رقمی باشد.» معنای این سخن آن است که پرونده هسته ای ایران حداقل بیش از ۱۰ سال دیگر عادی خواهد شد و تحریم های اصلی بانکی و نفتی حداقل بیش از ۱۰ سال دیگر باقی خواهد ماند. به دیگر سخن، علیرغم اینکه ایران غالب برنامه هسته ای خود را از همین حالا به حالت تعلیق درآورده است، تحریم های اصلی کشورهای زورگو، در طول زمانی حداقل بیش از یک دهه دیگر برداشته خواهد شد! معلوم نیست که ما براساس کدام منطق باید این همه امتیاز بدهیم.

ثانیا: چرا همین زمان ۲۰ سال نیز در توافقنامه ذکر نشده است؟ در این زمان، مسئولین آمریکایی زمان ۲۰ سال را مطرح کرده اند، اما با کدام تضمین با عوض شدن مسئولین مذاکره کننده آمریکایی، زمان بیشتری در خواست نگردد؟

ثالثاً: نکته جالب تر اینکه در طول زمان ۲۰ سال صرفاً یک-چهارم تحریم ها برداشته خواهد شد، زیرا آنچه که در موارد مختلفی از توافقنامه از جمله در مقدمه، گام اول و نیز بند سوم گام نهایی ذکر شده است، طرف غربی تعهد کرده است در صورتی که ایران، به تمام درخواست های آنها در تعلیق اکثر برنامه هسته ای خود عمل کند، صرفاً تحریم های مربوط به برنامه هسته ای ایران رفع خواهد شد؛ برای نمونه در مقدمه آمده است:

This comprehensive solution ... would produce the comprehensive lifting of all UN Security Council sanctions, as well as multilateral and national sanctions related to Iran's nuclear programme.

یا در گام نهایی آورده است: Comprehensive lift UN Security Council, multilateral and

nuclear-related sanction. national

اما با عنایت به اینکه به ادعای طرف غربی، تحریم های ایران، چهار دسته است: تحریم های مربوطه به برنامه هسته ای، تحریم های مربوط به حقوق بشر، تحریم های مربوط به سلاح های کشتار جمعی و تحریم های مربوط به دفاع از تروریسم، بدست می آید که بعد از ۲۰ سال مطابق این توافقنامه صرفاً تحریم های مربوط به برنامه هسته ای ایران رفع خواهد شد و بقیه تحریم ها به قوت خود باقی خواهند بود. (در بیانیه توجیهی آمریکا در مورد تفاهمنامه ژنو آمده در این مورد آمده است: همه تحریم ها علیه ۶۰۰ فرد و نهاد که با برنامه موشکی و هسته ای ایران همکاری می کنند، به قوت خود باقی می ماند؛ تحریم علیه برنامه نظامی ایران به قوت خود باقی می ماند؛ کلیه تحریم های شورای امنیت سازمان ملل پابرجا می ماند؛ همه تحریم های مرتبط با حمایت ایران از تروریسم، نقش بی ثبات کننده اش در بحران سوریه و سوابق بد حقوق بشری اش به قوت خود باقی می ماند.)

۳- چنانکه در بند چهارم گام نهایی آمده است طرف غربی تعهد کرده است که با توافق او و ایران، یک برنامه غنی سازی را با در نظر گرفتن ۸ قید و محدودیت به ایران در طول زمانی مذکور داده شود.

در مورد این بند باید توجه کرد:

اولاً: در هیچ جمله ای از این توافقنامه به مسأله حق غنی سازی ایران اذعان و تصریح نشده است. در این توافقنامه ۱۶ بار واژه غنی سازی بکار رفته است که صرفاً ۲ مورد آن - یعنی در مقدمه و نیز گام نهایی - به برنامه غنی سازی با ذکر محدودیت های گوناگون اشاره کرده است.

ثانیا: چنانکه در مقدمه بیان شده است، طرف غربی صرفاً پذیرفته است که ایران یک برنامه غنی سازی داشته باشد، نه اینکه دارای حق غنی سازی باشد. تفاوت این دو تعبیر بسیار است، زیرا گاهی شخص مالک ماشین است و حق دارد به هر مکانی که مایل است سفر کند، اما گاهی دارای ماشین نیست و از دیگری ماشینی را به امانت می گیرد، مالک ماشین برای او محدودیت هایی را تعیین می کند و برای نمونه می گوید، بیش از سه نفر نباید سوار کنی، سرعت تو نباید بیش از صد کیلومتر باشد، به مکان دیگر با فاصله بیش از دویست کیلومتر حق نداری بروی و ... آنچه که در این توافقنامه آمده است به همین صورت است، یعنی طرف غربی در مذاکرات، صرفاً به ما یک و آن هم یک برنامه غنی سازی را اعطا کرده است که دارای محدودیت های مختلف است.

به همین جهت است که بدون هیچ فاصله ای جان کری -وزیر خارجه آمریکا- پس از این توافقنامه به صراحت اعلام کرده است که ما در این توافقنامه به ایران حق غنی سازی نداده ایم. (این جمله از سوی وندی شرم -مذاکره کننده آمریکایی- و نیز برخی از اطراف دیگر مذاکره از کشورهای ۱+۵ نیز تصریح شده است.)

ثالثاً: این یک برنامه غنی سازی نیز با ۸ قید و محدودیت روبرو است. یعنی ایران در زمان محدودی که مورد توافق غربی ها باید قرار گیرد، آزاد نیست که در این یک برنامه غنی سازی مطابق نظر و اندیشه خودش در چارچوب اهداف صلح آمیز عمل کند، بلکه این برنامه را باید در قالب و محدوده تنگ ۸ گانه ای که طرف غربی برای ما در نظر گرفته است، تحت نظارت کامل آژانس انجام دهد، محدودیت هایی مانند سطح غنی سازی، ظرفیت آن، محل انجام آن، وجود نیاز عملی به مواد غنی شده و ... قیودی هستند که طرف غربی برای ما در نظر گرفته و مذاکره کنندگان ایرانی نیز همه آنها را پذیرفته اند.

رابعاً: مراد از قیود بیان شده چیست؟ اینکه محل غنی سازی باید مورد توافق طرفین قرار گیرد، به معنای چیست؟ آیا طرف غربی می پذیرد که این محل را ما معین کنیم؟ متأسفانه مذاکره کنندگان ایرانی پذیرفته اند تعیین محل باید با توافق آنها باشد.

خامساً: قید «نیاز عملی» به معنای چیست؟ در این قید تصریح شده است که برنامه غنی سازی ایران در صورتی مجاز است که ایران به موادی که می خواهد غنی کند، نیاز داشته باشد (consistent with practical needs).

مطابق آنچه که آقای عراقچی در طول مذاکرات ژنو-از جمله بعد از مذاکرات ژنو ۱ در جلسه با نمایندگان مجلس در کمیسیون امنیت ملی در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۲۸- بیان کرده است، طرف مذاکره کننده غربی، مدعی است که ایران هیچ نیازی به غنی سازی ندارد، زیرا ایران سوخت ۲۰٪ برای رآکتور تهران را به مقدار ۵ سال تولید کرده است، از سوی دیگر، برای سوخت رآکتور ۱۰۰۰ مگاواتی برق بوشهر نیز روسیه تعهد کرده است که تا ۱۰ سال دیگر سوخت آن را تأمین کند. از این رو، چرا ایران ۷ تَن ۰۳/۵٪ تولید کرده است؟

براین اساس، چون تشخیص نیاز عملی به مواد غنی شده باید با توافق ایران و طرف غربی باشد، روشن است طبق ادعای فوق، ایران نیاز به هیچ ماده غنی شده ندارد، و در نتیجه، نمی تواند هیچ گونه برنامه غنی سازی داشته باشد. به عبارت دیگر، با قبول و پذیرش چنین توافقنامه ای، مذاکره کنندگان ایرانی پذیرفته اند، علاوه بر اینکه ایران حق غنی سازی ندارد، هیچ برنامه غنی سازی نیز نباید داشته باشد. با این نکته معلوم می شود که چرا طرف غربی انتهای گام اول را معین نکرده است، یعنی اگرچه گام اول ۶ ماه بوده است، اما چون قابل تمدید می باشد، می تواند به گام نهایی وصل شود، یعنی وقتی که طرف مذاکره کننده ایرانی پذیرفته است، که در طول زمانی ۶ ماه برای نمونه، غنی سازی ۲۰٪، آب سنگین و رآکتور اراک و ... را تعلیق کند، این امر تا زمان توافق در گام نهایی طول خواهد کشید و در گام نهایی با مطرح کردن عدم نیاز ایران از سوی طرف غربی، کاملاً آنها را از بین خواهد برد.

وقتی که این نکته را به آقای عراقچی در جلسه کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در تاریخ عصر سه شنبه ۱۳۹۲/۹/۱۹ تذکر داده ام و بیان داشته ام که آنها نمی پذیرند که ایران هیچ گونه برنامه غنی سازی داشته باشد، جواب ایشان این بود: «درگه نمی پذیرند، ما به غنی سازی خود ادامه می دهیم و این توافقنامه را نمی پذیریم.» اما آیا این پاسخ درست است؟ اگر قرار بود که توافقنامه را نقض کرده و از اجرای آن سرباز زده شود، چرا آن را پذیرفته اید؟ چرا در زمان پذیرش آن هیچ دقتی انجام نمی شود؟ چرا به تمام قیودی که در بندهای گوناگون این توافقنامه که از سوی دشمنان ما به دقت تمام گنجانده شده است، توجه کامل و دقیق نشده است؟ روشن است که عدم پذیرش از سوی ما مواجه شدن با تحریم های شدیدتر را در پی خواهد داشت. آقای ظریف، روانچی، عراقچی و دیگر مذاکره کنندگان -که در حسن نیت آنها شکی وجود ندارد- به سبب عدم تخصص کافی این توافقنامه را بدون دقت لازم پذیرفته اند و اکثر موارد هسته ای را به تعلیق درآورده و در نهایت قرار

است مطابق این توافقنامه تمام برنامه غنی سازی ما لغو شود، از این رو، ضروری است که در افراد مذاکره کننده تغییری حاصل و تیمی متخصص وارد این کار شوند.

۴- علاوه بر این، اگر در موردی ایران نیاز به غنی سازی داشته باشد، در این بند پذیرفته شده است که تعریف آن، سطح، ظرفیت، محل انجام، گنجایش و زمان آن را باید طرف غربی موافقت کند.

۵- قبول داشتن برنامه غنی سازی از سوی مذاکره کنندگان ایرانی براساس ۸ قید بیان شده علاوه بر اینکه مسأله را تعلیق به شروط بسیار مشکل و سخت دست یافتنی خواهد کرد، مشکل اساسی اش آن است که این برنامه مطابق معاهده ان.پی.تی نیست، یعنی طرف غربی برنامه غنی سازی ایران را براساس ان.پی.تی نپذیرفته است زیرا معاهده ان.پی.تی داشتن برنامه غنی سازی را برای کشورها جهت دستیابی به اهداف صلح آمیز بدون هیچ محدودیتی جایز می شمارد، اما متأسفانه برنامه هسته ای ایران باید محدود به قیود و محدودیت هایی باشد که غربی ها بیان می کنند.

۶- در بند ۵ آمده است: حل کامل (fully) نگرانی های مربوط به رآکتور اراک، و نیز در بند ۷ آمده است: اجرای کامل (fully) اقدامات شفاف ساز توافق شده و افزایش نظارت.

سوال این است که قید fully به چه معناست؟ روشن است که این قید، یک قید کیفی است، نه کمی و از این رو، قابل تفسیرهای گوناگون خواهد بود. آیا داشتن آب سنگین برای اهداف صلح آمیز، موجب نگرانی آنها نخواهد بود؟ آیا نمی توانند ادعا کنند که چون وجود پسماندهای پلوتونیوم در آب سنگین بیش از آب سبک است، از این رو، این امر مایه نگرانی است و ایران نباید آب سنگین داشته باشد و آن را در رآکتور اراک استفاده کند؟

نیز اجرای اقدامات شفاف ساز و نظارتی در چه صورتی «کامل» خواهد بود؟ آیا هر موردی که به دروغ از سوی هر شخصی از جمله منافقین ادعا شود، آیا آن نقطه از ایران باید مورد بازرسی قرار گیرد؟ آیا مکان های نظامی ما امنیت خواهند داشت؟ در صورتی که ادعا کنند می خواهند دانشگاه هایی که واحدهای مربوطه به دانش هسته ای دارند را بازدید کنند، آیا ایران موظف به پذیرش آن نخواهد بود؟ اگر اسامی تمام دانشمندان هسته ای ما، تمام قطعه سازان ما (به بهانه اینکه قطعات ساخته شده از سوی آنها ممکن است در مونتاژ

سانتریفیوژ استفاده شود)، تمام معادن ما (به بهانه اینکه ممکن است در آنها اورانیوم باشد) و ... را از ایران خواسته باشند، آیا براساس این توافق باید آن را به دشمنان خود تحویل دهیم؟ آنها که دانشمندان هسته ای ما را ترور کردند، اطلاعات آنها را چگونه بدست آورده اند؟ می دانیم که اقدامات شفاف ساز بیش از اقداماتی است که در پادمان و نیز پروتکل الحاقی (که هر زمان و هر مکان است) آمده است.

نیز مراد از واژه «نگرانی» (concern) چیست. این واژه از واژه های مبهم است. نگرانی ها چگونه قابل برطرف کردن است؟ چه کارهایی را ایران باید انجام دهد تا نگرانی طرف مستکبر و زورگوی غربی از بین برود. آیا آنها با وجود این ابهام، نمی توانند در نهایت ادعا کنند که وجود چند سانتریفیوژ و داشتن توان غنی سازی در ایران نگران کننده است، زیرا ممکن است مخفیانه و دور از چشم آژانس در حال ساخت سلاح هسته ای باشد؟ در این صورت، رفع نگرانی آن کشورها چگونه محقق می گردد؟

بکار بردن واژه های مبهم و قابل تفسیرهای گوناگون در چنین توافقی نامی - که به نظر می رسد به صورت آگاهانه و عمدی از سوی دشمنان ما در آن گنجانده شده است - مسأله را برای ما بسیار دشوار می کند، و عدم دقت و آگاهی مذاکره کنندگان ایرانی از آنها هزینه بسیار سنگینی را به ملت ایران تحمیل خواهد کرد.

۷- در بند پنجم رفع کامل نگرانی ها در مورد رآکتور اراک از ایران خواسته شده است. این امر در حالی است که در گام اول در مورد رآکتور اراک از ایران خواسته شده است که اولاً: رآکتور راه اندازی نگردد، ثانیاً: سوخت و آب سنگین به آن منتقل نشود، ثالثاً: سوخت اضافی آزمایش نشود، رابعاً: سوخت بیشتری برای رآکتور اراک تولید نگردد و خامساً: اجزای باقیمانده رآکتور اراک نصب نگردد، براین اساس، سوال مهم آن است که مراد از رفع کامل نگرانی ها - علاوه بر آنچه که در گام اول خواسته شده و به آن باید عمل گردد - چیست؟ آیا امر دیگری باقیمانده است که انجام شود؟ به نظر می رسد آن امر جز با تخریب کامل آن میسر نخواهد شد. یعنی تنها امری که علاوه بر موارد مذکور در گام اول، نگرانی طرف غربی ها را به صورت کامل برطرف می کند، و آنها را راضی می کند، تخریب کامل رآکتور اراک خواهد بود.

۸- در حالی که در بند ۱۶ گام اول بازفرآوری و حتی ساخت تاسیساتی که توانایی بازفرآوری به وجود آورد به صورت مطلق ممنوع شده است، در گام نهایی نیز برای تاکید بر این امر بیان شده است که ایران نباید

بازفرآوری و یا تاسیساتی داشته باشد که توانایی بر بازفرآوری ایجاد کند. معنای این سخن آن است که ایران برای هیچ وقت حق داشتن بازفرآوری را نخواهد داشت و نیز هر مکانی را که آنها احتمال بدهند که ممکن است در توانایی بر بازفرآوری موثر باشد، ساخت آن ساختمان ها نیز ممنوع خواهد بود.

۹- علیرغم اینکه در گام اول نظارت های بسیار زیادی به ایران تحمیل شده است، یعنی مذاکره کنندگان ایرانی پذیرفته اند که آژانس دسترسی به تمام برنامه های هسته ای ایران، نظارت بر تمام سایت ها و ساختمان ها موجود در آنها، دستیابی به اطلاعات مربوط به سطح و گستره فعالیت هایی که در آن سایت ها انجام می شود، دسترسی به معادن اورانیوم، مواد در منابع، اطلاعات مربوط به رآکتور اراک، اعمال پادمان در مورد رآکتور اراک، دسترسی به دوربین ها، دسترسی مدیریت شده به کارگاه های مونتاژ سانتریفیوژ و کارگاه های تولید ورتور سانتریفیوژ و انبارهای نگهداری آنها، معادن اورانیوم و کارخانه های تولید اورانیوم داشته باشد، در گام نهایی نیز اجرای کامل اقدامات شفاف ساز و افزایش نظارت از ایران خواسته شده است.

سوال این است که آنچه که در گام نهایی آمده است، ناظر به چه اقداماتی است که در گام اول از ایران مطالبه نشده است؟ آیا اقدامات معقول دیگری مانده است که ایران باید جهت شفاف سازی انجام بدهد؟ اطلاعات کدام بخش از ایران باید در اختیار آژانس قرار گیرد که در گام اول ذکر نگردیده است؟

۱۰- دربند سوم رفع جامع تحریم های شورای امنیت -چندجانبه و ملی- مربوط به هسته ای بیان شده است. نکته مبهم در این بند آن است که آیا مراد از آن، تحریم هایی است که در «قطعنامه های» شورای امنیت بر علیه ملت ایران ذکر شده است؟ اگر اینطور است چرا واژه قطعنامه (resolution) در این بند ذکر نگردیده است؟ به عبارت دیگر، در گام دوم وقتی از ایران می خواهد به تحریم های شورای امنیت به پردازد، واژه قطعنامه (resolution) را بیان می کند، (در گام دوم آمده است: **There would be additional steps** addressing the UN Security Council resolutions ...) اما در این بند از ذکر آن خودداری می کند. مراد از این ذکر نکردن چیست؟ آیا قطعنامه ها به قوت خود باقی خواهند ماند؟

۱۱- در بند هشتم تصویب و اجرای پروتکل الحاقی از ایران خواسته شده است.

چنانکه در متن توافقنامه نیز اشاره شده است، مجلس باید اجرای پروتکل را مصوب کند و بدون اجازه مجلس، دولت حق چنین کاری را ندارد. اما به نظر می رسد که مواد موجود در پروتکل بسیار منفی و تحقیر آمیز است، از جمله نظارت های سرزده با اطلاع و بدون اطلاع، آماده کردن و در اختیار قرار دادن هر مکانی (بدون هیچ گونه محدودیتی) که بازرسان برای بازدید درخواست کرده اند و بازرسی بدون حضور مامور ایرانی در آن قرار دارد. نصب تجهیزات نظارتی "آن لاین" - مستقیم - از دیگر موارد پیش بینی شده در بحث نظارت پروتکل الحاقی است که براساس آن آژانس می تواند در هر مکان مورد نظر خود که فعالیت هایی مرتبط با برنامه هسته ای انجام می شود، با نصب دوربین، به صورت زنده این فعالیتها را زیر نظر داشته باشد. گفتنی است در حال حاضر عمده دوربین های نظارتی آژانس در تاسیسات هسته ای کشور، به صورت «آف لاین» تمام فعالیت ها را ثبت و ضبط می کنند. (موارد فوق در ماده ۵ و سایر مواد آن آمده است.)

علاوه براین، آیا با وضعیت پیش آمده که دولت جدید اصرار به پذیرش آن دارد، و به گمان خود حل تمام مشکلات را در پذیرش آن توافقنامه می بیند، آیا مجلس می تواند به درخواست دولت تمکین نکند؟ در صورت عدم تمکین متهم به عدم همکاری با دولت در جهت حل مشکلات اقتصادی مردم نخواهد شد؟

۵- نتیجه نهایی

بعد از اجرای موفقیت آمیز گام نهایی از راه حل جامع در طول دوره کامل آن، با برنامه هسته ای ایران مانند برنامه هسته ای کشورهای دیگر فاقد سلاح هسته ای عضو ان.پی.تی برخورد خواهد شد.

تأملاتی چند

۱- بعد از سالهای متمادی که ایران تقریباً اکثر برنامه صلح آمیز هسته ای خود را به تعلیق درآورده است، قرار است با ایران به عنوان یک کشور عادی عضو ان.پی.تی مانند دیگر کشورها برخورد شود، این امر اولاً: به معنای

پذیرش آن است که پرونده ایران یک پرونده ویژه بوده و با ایران نمی توان از همان ابتدا مانند دیگر کشورها برخورد کرد.

ثانیا: بعد از پذیرش تمام دستورات کشورهای مستکبر و از دست دادن همه توانمندیهای هسته ای و غیر هسته ای کشور، به نقطه اول خواهیم رسید، یعنی همین نقطه ای که الآن در آن قرار داریم. مشکل فعلی ما با کشورهای مستکبر در چیست؟ علیرغم اینکه آژانس در چندین گزارش خود صلح آمیز بودن برنامه هسته ای ما را پذیرفته است، چرا کشورهای مستکبر با ملت بزرگ ایران در جنگ هستند و آنها را مورد تحریم ظالمانه خود قرار می دهند؟ ما عضو ان.پی.تی هستیم و براساس آن دارای حق غنی سازی برای مقاصد صلح آمیز می باشیم. همین حق روشن و قانونی که غرب آن را نمی پذیرد، آیا بعد از ده ها سال دیگر که ایران در برنامه هسته ای خود ضعیف تر شده است، آن را می پذیرد؟ پاسخ روشن است. اینکه ما خودمان را دارای حق غنی سازی بدانیم و به آن اذعان کنیم، مشکلی را حل نمی کند، مقصود از توافقنامه آن بوده است که طرف غربی به این حق اذعان کند، که متأسفانه در هیچ نقطه ای از آن به این حق، اذعان نکرده است و بلکه برعکس بلافاصله بعد از توافقنامه، جان کری -وزیر خارجه آمریکا- اعلام کرده است که ما هیچ گونه حق غنی سازی برای ایران به رسمیت نشناخته ایم.

نامه مقام معظم رهبری در پاسخ به نامه آقای روحانی

ممکن است اشکال شود چرا مقام معظم رهبری -با وجود اشکالات فراوان موجود در توافقنامه- آن را یک موفقیت و قابل تقدیر و تشکر دانسته اند؟

پاسخ اشکال فوق کاملاً روشن است، زیرا نامه مقام معظم رهبری در پاسخ نامه آقای رئیس جمهور به ایشان بوده است و در این پاسخ تصریح شده است که دستیابی به آنچه مرقوم داشته اید، یک موفقیت است و در خور تقدیر و تشکر. اما اشاره ای به تفاهمنامه نکرده است. پاسخ مقام معظم رهبری به نامه آقای روحانی چنین است:

بسمه تعالی

جناب آقای رئیس جمهور

دستیابی به آنچه مرقوم داشته اید درخور تقدیر و تشکر از هیئت مذاکرات هسته ای و دیگر دست اندرکاران است و می تواند پایه ی اقدامات هوشمندانه ی بعدی قرار گیرد. بی شک فضل الهی و دعا و پشتیبانی ملت ایران عامل این موفقیت بوده و در آینده نیز خواهد بود ان شاءالله. ایستادگی در برابر زیاده خواهیها همواره باید شاخص خط مستقیم حرکت مسئولان این بخش باشد، و چنین خواهد بود ان شاءالله.

سید علی خامنه ای

۱۳ آذر ۹۲

اما آنچه که رئیس جمهور به مقام معظم رهبری نوشته است این است که در این توافقنامه اولاً: حقوق هسته ای ایران به رسمیت شناخته شده است، ثانیاً: حق غنی سازی ملت ایران مورد اذعان قدرتهای جهانی که سالها سعی بر انکار آن داشتند، قرار گرفته است، ثالثاً: خطوط قرمز نظام حفظ شده است و رابعاً: توقف تحریم ها و فروپاشی تحریم های ظالمانه آغاز شده است. آقای روحانی در نامه به مقام معظم رهبری آورده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

محضرمبارک رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای دامت برکاته

با سلام و تحیات وافره

خدای بزرگ را سپاس می گویم که در نخستین ماه های شروع کار دولت تدبیر و امید، فرزندان انقلابی شما توانستند در مذاکراتی دشوار و پیچیده، حقانیت ملت ایران در فعالیت های هسته ای را در صحنه بین المللی اثبات کنند و گام نخست را به گونه ای پیش برند که حقوق هسته ای و حق غنی سازی ملت ایران مورد اذعان قدرتهای جهانی - که سالها سعی بر انکار آن داشتند - قرار گیرد و راه برای گام های بلند بعدی در حراست از پیشرفت های فنی و اقتصادی کشور گشوده شود.

توفیق در این مذاکرات نشان داد که می توان با رعایت همه اصول و خطوط قرمز نظام، با ارائه منطقی و مستدل مواضع ملت ایران و اتمام حجت برای افکار عمومی جهان، قدرتهای بزرگ را نیز به احترام به حقوق ملت ایران فراخواند و ...

دستاوردهای قطعی این توافق اولیه، به رسمیت شناخته شدن حقوق هسته ای ایران و حراست از دستاوردهای هسته ای فرزندان این مرز و بوم بوده است و در کنار آن با توفیق روند تحریم های ظالمانه، بخشی از فشارهای غیر قانونی در تحریم های یک جانبه برداشته و فروپاشی سازمان تحریم آغاز شده است ...

اینجانب با تبریک این توفیق الهی به حضور رهبری معظم انقلاب، از هدایت و حمایت جنابعالی سپاسگزارم

...

حسن روحانی ۳ آذر ۹۲

آنچه که در نامه آقای روحانی آمده است به رسمیت شناخته شدن حقوق هسته ای و نیز حق غنی سازی ایران، حفظ خطوط قرمز نظام و توقف و فروپاشی تحریم ها می باشد.

واقعا اگر ما حقوق هسته ای ایران و حق غنی سازی را بدست آورده و در مقابل نیز تحریم های اصلی را تا حد قابل قبولی از بین برده باشیم این کار یک پیروزی بزرگی است که شایسته تقدیر و تشکر. (و مقام معظم رهبری نیز تاکید کرده است که براساس آنچه که مرقوم داشته اید ما موفقیت بدست آورده ایم و باید از آن تشکر شود).

اما آیا ایران در این توافقنامه به آنچه که آقای روحانی مرقوم داشته است، دست یافته است؟ آیا حقوق هسته ای ایران به رسمیت شناخته شده است؟ آیا حق غنی سازی ایران مورد اذعان قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده است؟ آیا خطوط قرمز نظام در این مذاکرات و توافقنامه ژنو حفظ شده است؟ آیا دستاوردهای هسته ای ملت ایران در این توافقنامه حفظ شده است؟ آیا سازمان تحریم های اصلی شکاف برداشته است؟

با توجه به آنچه که در این نوشتار بررسی شده است هیچ یک از موارد فوق در این توافقنامه بدست نیامده است و برخلاف ادعای آقای روحانی، غالب دستاورد هسته ای ملت ایران از دست رفته است. جهت یاد آوری، ادعاهای آقای روحانی را به صورت جداگانه مورد بررسی دوباره قرار می دهیم:

۱- آقای روحانی ادعا کرده است که در این توافقنامه حقوق هسته ای ایران به رسمیت شناخته شده است.

سوال این است که حقوق هسته ای به چه امری گفته می شود؟ روشن است که مراد از آن، همان امری است که در ماده چهارم ان.پی. تی آمده است. در این ماده تصریح شده است که: هریک از اعضای ان.پی.تی بدون هیچ گونه تبعیضی حق انکار ناپذیر در تحقیق، تولید و استفاده از انرژی هسته ای جهت اهداف صلح جویانه دارند. براساس این ماده، ایران -که عضو معاهده ان.پی.تی است- حق دارد که انرژی هسته ای برای اهداف صلح جویانه خود تولید و استفاده نماید. یعنی اگر نیاز به هر مقدار غنی سازی برای تولید برق، راکتور تهران جهت تولید دارو، زیردریایی ها، استفاده در فضاانوردها، پزشکی، کشاورزی و ... داشته باشد، حق دارد آن را تولید کند. به عبارت دیگر، در مقاصد صلح آمیز، ایران حق تولید سانتریفیوژهای نسل دو و بالاتر از آن، حق نصب و استفاده از سانتریفیوژهای جدید، حق غنی سازی در هر سطحی، حق ایجاد مراکز جدید غنی سازی، حق بازآوری و ... را بدون هیچ گونه محدودیتی خواهد داشت؛ در این صورت است که می توان گفت یک کشور دارای حقوق هسته ای است و از حقوق هسته ای خود برخوردار است.

اما آیا در توافقنامه ژنو امور فوق به رسمیت شناخته شده است؟ چنانکه بیان گردید مذاکره کنندگان ایرانی در توافقنامه ژنو پذیرفتند که ایران حق تولید سانتریفیوژ جدید (جز برای جایگزینی سانتریفیوژها خراب شده) ندارد، حق بهره برداری از سانتریفیوژهای نسل جدید ندارد، حق ایجاد مراکز جدید غنی سازی ندارد، حق غنی سازی ندارد، برنامه غنی سازی ایران نیز محدود به محدودیت های ۸گانه است، یعنی با نظر و رضایت و موافقت طرف غربی باید این برنامه تعریف شود، محل غنی سازی با رضایت آنها تعیین شود، سطح غنی سازی و این امر که آیا ایران نیاز به مواد غنی شده دارد یا نه، با رضایت و موافقت آنها تعیین خواهد شد، بالاتر از ۰.۵٪ هم نباید باشد، نصف سایت نطنز باید تعطیل شود، سه-چهارم فردو تعطیل شود، آب سنگین و نیز راکتور اراک باید تعطیل گردد، بازآوری ممنوع می باشد، و ... در چنین حالتی آیا می توان گفت که در این توافقنامه به حقوق هسته ای ایران اذعان شده و آن را به رسمیت شناخته اند؟

۲- آقای روحانی ادعا کرده است که در توافقنامه ژنو حق غنی سازی ایران که سالها مورد انکار قرار می گرفته است، به رسمیت شناخته شده است.

چنانکه بیان گردید در هیچ نقطه ای از توافقنامه به حق غنی سازی ایران اذعان نگردیده است، بلکه برعکس، جان کری و سایر مسئولین آمریکایی و نیز کشورهای غربی دیگر، بعد از توافق بارها ادعا کرده اند که در این توافقنامه حق غنی سازی ایران را به رسمیت نشناخته ایم. آنچه که در توافقنامه آمده است، قبول یک برنامه غنی سازی با ۸ محدودیت است (در حالی که حق غنی سازی در ماده چهارم ان.پی.تی هیچ گونه محدودیتی جز صلح آمیز بودن آن، ندارد). به عبارت دیگر، این یک برنامه غنی سازی باید اولاً: از سوی دو طرف معین و تعریف شده باشد، ثانیاً: مطابق با نیازهای عملی باشد، نیازهایی که طرفین بر آن توافق کرده باشند، ثالثاً: گستره آن مورد توافق دو طرف داشته باشد، رابعاً: سطح فعالیت‌های غنی سازی مورد توافق طرفین قرار گیرد، خامساً: ظرفیت آن مورد توافق طرفین قرار گیرد، سادساً: محل انجام آن با توافق دو طرف باشد، سابعاً: ذخایر اورانیوم غنی شده نیز براساس توافق دو طرف صورت گیرد، و ثامناً: این برنامه در یک زمان معین مورد توافق دو طرف انجام خواهد شد.

قیود و محدودیت های فوق بسیار مشکل ساز است، برای نمونه، قید «نیاز عملی» به معنای چیست؟ در این قید تصریح شده است که برنامه غنی سازی ایران در صورتی مجاز است که ایران به موادی که می خواهد غنی کند، نیاز داشته باشد (consistent with practical needs).

مطابق آنچه که آقای عراقچی در طول مذاکرات ژنو-از جمله بعد از مذاکرات ژنو ۱ در جلسه با نمایندگان مجلس در کمیسیون امنیت ملی در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۲۸- بیان کرده است، طرف مذاکره کننده غربی، مدعی است که ایران هیچ نیازی به غنی سازی ندارد، زیرا ایران سوخت ۲۰٪ برای رآکتور تهران را به مقدار ۵ سال تولید کرده است، از سوی دیگر، برای سوخت رآکتور ۱۰۰۰ مگاواتی برق بوشهر نیز روسیه تعهد کرده است که تا ۱۰ سال دیگر سوخت آن را تأمین کند. از این رو، چرا ایران ۷ تن ۰۳/۵٪ تولید کرده است؟

براین اساس، چون تشخیص نیاز عملی به مواد غنی شده باید با توافق ایران و طرف غربی باشد، روشن است طبق ادعای فوق، ایران نیاز به هیچ ماده غنی شده ندارد، و در نتیجه، نمی تواند هیچ گونه برنامه غنی سازی

داشته باشد. به عبارت دیگر، با قبول و پذیرش چنین توافقنامه ای، مذاکره کنندگان ایرانی پذیرفته اند، علاوه بر اینکه ایران حق غنی سازی ندارد، هیچ برنامه غنی سازی نیز نباید داشته باشد.

جای تعجب است که چگونه آقای روحانی ادعا کرده است که در این توافقنامه حق غنی سازی ایران به رسمت شناخته شده است.

۳- آقای روحانی ادعا کرده است که در این توافقنامه خطوط قرمز نظام رعایت شده است.

با عنایت به اینکه یکی از خطوط قرمز نظام رآکتور اراک بوده است، آیا در این توافقنامه حفظ شده است؟ روشن است که در این توافقنامه کاملاً آن را از دست داده ایم، زیرا در موارد گوناگون آن تصریح شده است که ایران هیچ پیشرفتی را در مورد رآکتور اراک ایجاد نکند، برای نمونه، در گام اول بیان شده است که ایران در مورد نگرانی ها نسبت به ساخت رآکتور اراک اعلام می کند که در مدت ۶ ماه، اولاً: این رآکتور را راه اندازی نمی کند، ثانیاً: سوخت و آب سنگین به رآکتور منتقل نمی کند، ثالثاً: سوخت اضافی آزمایش نمی کند، رابعاً: سوخت بیشتر برای رآکتور تولید نمی کند، و خامساً: اجزای باقیمانده رآکتور را نصب نمی کند.

علاوه براین، در گام نهایی نیز تصریح شده است که ایران باید به صورت کامل نگرانی های را در مورد رآکتور اراک برای طرف غربی برطرف کند. در این صورت چگونه ادعا می شود که خطوط قرمز نظام رعایت شده است؟

۴- آقای روحانی ادعا کرده است که در این توافقنامه تحریم ها متوقف و در سازمان آن فروپاشی صورت گرفته است.

در توافقنامه هیچ امری که سخن آقای روحانی را نسبت به تحریم های اصلی بانکی، نفتی و تحریم های سخت شورای امنیت تایید کند، وجود ندارد. چنانکه بیان شده است طرف غربی در بیانیه توجیهی خود بعد از این توافقنامه تصریح کرده است:

«در مرحله اول، ما به اجرای تحریم علیه ایران ادامه می دهیم و علیه کسانی که سعی می کنند تحریم ها را دور بزنند، اقدام خواهیم کرد؛ تحریم های مرتبط با فروش نفت خام ادامه می یابد؛ تحریم های مرتبط با صادرات

محصولات پتروشیمی به ایران که موجب از دست رفتن میلیاردها دلار از درآمدهای ایران شده است، به قوت خود باقی می ماند؛ بخش عمده دارایی های ۱۰۰ میلیارد دلاری خارجی ایران غیرقابل دسترس باقی می ماند.

- دیگر بخش های مهم تحریم ها دست نخورده باقی می ماند. از جمله:

۱. تحریم علیه بانک مرکزی ایران و ده ها بانک بزرگ و نهاد مالی دیگر.
۲. تحریم های ثانویه که بر اساس لایحه جامع تحریم های ایران (سیسادا) علیه بانک هایی وضع شده است که با شرکت ها و اشخاص تحریم شده همکاری می کنند.
۳. تحریم کسانی که خدمات دیگر مالی همچون خدمات بیمه به ایران می دهند.
۴. دسترسی محدود به نظام مالی آمریکا

- همه تحریم ها علیه ۶۰۰ فرد و نهاد که با برنامه موشکی و هسته ای ایران همکاری می کنند، به قوت خود باقی می ماند.

- تحریم بخش های مختلف اقتصاد ایران از جمله کشتی رانی و کشتی سازی به قوت خود باقی می ماند.

- تحریم سرمایه گذاری های بلند مدت و منع ارائه خدمات فنی به بخش انرژی ایران به قوت خود باقی می ماند.

- تحریم علیه برنامه نظامی ایران به قوت خود باقی می ماند.

- محدودیت های گسترده آمریکا برای تجارت با ایران به قوت خود باقی می ماند و ایران کماکان از داد و ستد با بزرگترین اقتصاد جهان محروم می ماند.

- کلیه تحریم های شورای امنیت سازمان ملل پابرجا می ماند.

- همه تحریم های مرتبط با حمایت ایران از تروریسم، نقش بی ثبات کننده اش در بحران سوریه و سوابق بد حقوق بشری اش به قوت خود باقی می ماند؛ امروز گروه ۵+۱ و ایران به مجموعه ای از تفاهات اولیه دست یافتند که مانع پیشرفت برنامه هسته ای می شود و ابعاد کلیدی آن را به عقب می راند. این تفاهم، اولین محدودیت های معناداری است که ایران طی یک دهه گذشته در برنامه خود پذیرفته است.

۶ ماه آغازین، شامل اعمال محدودیت های مهم در برنامه هسته ای ایران است که باید به تدریج فوری ترین نگرانی های ما را از جمله توانمندی غنی سازی ایران، ذخایر کنونی اورانیوم غنی شده اش، تعداد و توانمندی هایش در زمینه سانتریفیوژها و توانایی اش در تولید پلوتونیوم در رآکتور اراک برطرف سازد.»

بنابراین، ایران در این توافقنامه اولاً: به حقوق هسته ای خود دست نیافته است، ثانياً: حق غنی سازی ایران به رسمیت شناخته نشده است، ثالثاً: خطوط قرمز نظام رعایت نشده است و رابعاً: هیچ تزلزل و فروپاشی در تحریم های اصلی صورت نگرفته است.

نتیجه آنکه: اگر آنچه که آقای روحانی در نامه به مقام معظم رهبری نوشته و مرقوم داشته است، درست بود، جای تشکر داشته و یک موفقیت بوده است (چنانکه رهبر معظم انقلاب نیز به همین صورت بیان کرده است) اما متأسفانه شاهد آن هستیم که هیچ یک از ادعاهای آقای روحانی در مورد توافقنامه صحیح نمی باشد.

آنچه که آقای روحانی مرقوم داشته است با آنچه که با طرف غربی تفاهم شده است فاصله بسیار زیادی دارد. و امری که مقام معظم رهبری تایید کرده است، محتوای مرقومه آقای روحانی بوده است، نه آنچه که مورد تفاهم قرار گرفته است.

در انتهای این نوشتار از آقای ظریف، عراقچی و روانچی تقاضا می کنم که صادقانه تمام بندهای این توافقنامه را برای مردم عزیز و بزرگ ایران توضیح دهند، یعنی دقیقاً توضیح دهند که چه چیزهایی را داده ایم و چه چیزهایی را گرفته ایم.

روشن کردن و اطلاع رسانی به مردم عزیز حق مردم و وظیفه ما است زیرا صاحبان اصلی این کشور، مردم عزیز می باشند، و به همین جهت است که مقام معظم رهبری فرموده اند:

«به مذاکرات جاری خوشبین نیستیم چرا که معلوم نیست نتایجی را که ملت انتظار دارد به همراه بیاورد، اما معتقدیم این تجربه ایرادی ندارد ... اما لازم است ملت بیدار باشد و بداند چه اتفاقی دارد می افتد.» (دیدار با دانش آموزان ۱۳۹۲/۸/۱۲)

نیز در ادامه فرموده اند:

«هر کاری که به مصلحت کشور باشد و مسئولین کشور انجام بدهند، ما از آن کار حمایت می کنیم، کمکشان می کنیم، دعایشان هم می کنیم، لکن توصیه هم می کنیم، هم به آحاد مردم، هم به مسئولین، هم بخصوص به

شما جوانهای عزیز که چشم‌ها و گوش‌ها را باز کنید، هر ملتی با آگاهی، با هوشیاری، با بیدار ماندن و به خواب نرفتن، می‌تواند به اهداف والای خود دست پیدا کند.» (دیدار با دانش‌آموزان ۱۳۹۲/۸/۱۲)